

بررسی مشارکت شهروندان تهرانی در امور شهری با تاکید بر شهر سالم (منطقه ۱ و ۲۰ شهر تهران) نیر پیراهری^۱

استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

منصوره تاجیک

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۲۴

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی در فعالیت‌های شهری انجام شده است. چارچوب نظری تحقیق براساس نظریه‌های جامعه‌شناسی دورکیم، گیدنز، هومنز، رابرت دال انتخاب گردید. جامعه آماری تحقیق شهروندان بالای هجده سال منطقه یک و بیست شهر تهران هستند که به روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۲۸۶ نفر انتخاب شده‌اند. تحقیق حاضر از لحاظ روش یک تحقیق پیمایشی بوده که در آن از تکنیک پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. نتایج نشان داد ۱۲.۷ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۶۵.۶ درصد تا حدودی و ۲۱.۷ درصد به میزان زیاد در امور شهری مشارکت دارند. همچنین بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری با منطقه سکونت، سابقه سکونت، میزان احساس مالکیت بر محیط شهری، اعتماد اجتماعی و رضایت از خدمات شهری رابطه معنادار مستقیم ملاحظه گردید.

واژگان کلیدی: مشارکت، مشارکت اجتماعی، مشارکت در امور شهری، احساس مالکیت بر امور شهری، شهر تهران، اعتماد اجتماعی، رضایت از خدمات شهری، شهر سالم

مقدمه

مشارکت به عنوان یکی از نیازهای اجتماعی انسان، متضمن بقای حیات فردی و زندگی جمعی می‌باشد؛ فرآیند اجتماعی در قالب دوگرایش عام و خاص قابل بررسی است که گرایش عام را مشارکت سنتی و گرایش خاص را مشارکت مدرن می‌نامند. در زندگی اجتماعی انسان‌ها فرایند مشارکت هم در شکل سنتی و هم مدرن آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و هست. شکل سنتی مشارکت را می‌توان با مفاهیمی چون تعاون، همکاری و همیاری متقابل، معادل دانست که از دیرباز در جوامع بشری موجود بوده و هست، اما مشارکت در مفهوم مدرن بیشتر محصول قرن بیستم است که با تحقق جامعه مدنی در غرب و ایجاد دولت‌های رفاه در اروپا و آمریکای شمالی آغاز شد. حال باید اذعان داشت، جامعه در حال گذر ایران احتیاج به مشارکت همه جانبه شهروندان داشته تا با فائق آمدن بر مشکلات در راستای یک جامعه توسعه مند حرکت کند. علی‌رغم همه تلاش‌های انجام شده در ایران، تا به حال فرایند مشارکت به عنوان یک فرهنگ عمومی در اندیشه و عمل شهروندان، از جایگاه مناسبی برخوردار نبوده یا کمرنگ بوده است.

اصطلاح مشارکت در فرهنگ علوم اجتماعی، به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن تعریف شده است (birou, 1987: ۲۵۷). همچنین از منظر جامعه‌شناسی، مشارکت به عنوان نوعی فرایند تعاملی چند سویه مطرح می‌شود که مداخله و نظارت مردم و قابلیت سیاسی - اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی در پی خواهد داشت. بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، مشارکت در فراگرد توانمندسازی جامعه، بر سه ارزش بنیادی: سهم کردن مردم در قدرت، راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش، و بازگشود فرصت‌های پیشرفت به روی مردم تأکید دارد (tosi, 1991: 5).

بی‌شک مشارکت عمومی و همه جانبه یک محله یا گروه اجتماعی و یا یک جامعه در تصمیم‌گیریها، برنامه‌ریزی‌ها و کلیه فعالیت‌ها و اموری که به گونه‌ای با اهداف ملی، منطقه‌ای و سازمانی مرتبط می‌باشد مورد توجه مدیران و برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران توسعه اجتماعی و جامعه‌شناسان و... می‌باشد.

در زمان حاضر نیز، با توجه به اینکه ایران در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن است، مشکلات ناشی از عدم مشارکت یا مشارکت محدود در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به عنوان یک مسئله اساسی و مهم بیش از پیش در زمینه‌های مختلف خودنمایی می‌کند. از طرف دیگر افزایش جمعیت، گسترش فیزیکی شهر را در پی داشته است و ارائه خدمات شهری را مشکل کرده است (masomi, 2004: 6).

بدین ترتیب مشکل مسکن، کمبود فضای سبز کافی، حاشیه نشینی و بیکاری از جمله عوامل نارضایتی شهری است. در جهان معاصر حل مسائل شهری جز با شناختن نیازها، خواسته‌ها و نگرش شهروندان امکان‌پذیر نیست؛ و شناخت مسائل جز با پژوهش میسر نیست و پژوهش‌های اجتماعی می‌توانند مورد استفاده سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، مسکن، تعلیم و تربیت، بهداشت و... قرار گیرند.

آگاهی از نیازها و مسائل مردم و بررسی نگرش آنها در میزان نقشی که می‌توانند در رفع مشکلات شهری داشته باشند، زمینه مساعدی برای ارتباط منطقی و صحیح بین نهادهای خدمت رسان به شهروندان و خود شهروندان فراهم ساخته و اعتماد میان شهروندان و مدیریت شهری تقویت می‌شود. مشارکت شهروندان در امور شهری می‌تواند در تأمین منابع اقتصادی، کاهش هزینه‌های خدمات، افزایش انسجام اجتماعی، کاهش آسیب‌ها و تنش‌های ناشی از زندگی شهری و رضایت شهروندان مؤثر باشد (mosavi, 2011: 7).

بنابراین باتوجه به نقش مشارکت اجتماعی در توانمندسازی انسانها، افزایش بهره‌وری، کاهش مشکلات شهری و تحقق توسعه، مشکلات ناشی از عدم مشارکت در امور شهری در جامعه ایرانی به عنوان یک مسئله اساسی در حوزه امور شهری بوده و پرسش‌های ذیل مطرح می‌گردد:

۱. آیا بین رضایت از خدمات شهری و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد؟
 ۲. آیا بین احساس مالکیت بر محیط شهری و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد؟
 ۳. آیا بین اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد؟
 ۴. آیا بین سابقه سکونت و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد؟
 ۵. آیا بین منطقه محل سکونت و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه وجود دارد؟
- در این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه و جامعه آماری شامل کلیه افراد حداقل سن ۱۸ ساله خانوارهای ساکن شهر تهران (مناطق ۲۰ و ۱) می‌باشد که از طریق مراجعه حضوری و مصاحبه پرسشنامه‌های مربوطه تکمیل شده است. در پژوهش حاضر برای انجام نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری خوش‌های چند مرحله‌ای استفاده شده است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران تعداد ۲۸۳ نمونه برآورد شده است.

معرفی شهر تهران

تهران بزرگ‌ترین شهر و پایتخت ایران و مرکز استان تهران و شهرستان تهران است. جمعیت آن ۸٬۲۴۴٬۵۳۵ نفر که بیست و پنجمین شهر پرجمعیت جهان به شمار می‌آید. مساحت این شهر ۷۳۰ کیلومتر مربع است. این شهر یکی از بزرگ‌ترین شهرهای غرب آسیا و بیست و هفتمین شهر بزرگ دنیا است. شهر تهران، در شمال کشور ایران و جنوب دامنه رشته‌کوه البرز واقع شده است.

از دهه ۱۳۴۰ تهران مرکز جذب مهاجران زیادی از سرتاسر ایران بوده است. ساکنان اصلی تهران اقوام فارسی‌زبان بودند، هم اکنون مردم از اقوام مختلفی در این شهر زندگی می‌کنند. در تهران مردم به زبان فارسی با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند. بیشتر مردم در این شهر زبان فارسی با لهجه تهرانی دارند. دیگر اقوام ساکن تهران عبارتند از گُرد، آذربایجانی، گیلک، مازندرانی، ارمنی، عرب، لر. تراکم جمعیت در تهران بین ده هزار و هفتصد تا بیش از یازده هزار تن در هر کیلومتر مربع برآورد می‌شود که بنابر آمار بیستمین شهر پرتراکم جهان است. تهران از شمال به نواحی کوهستانی، و از جنوب به نواحی کویری منتهی شده، در نتیجه در جنوب و شمال دارای آب و هوایی متفاوت است. نواحی شمالی آب و هوای سرد و خشک و نواحی جنوبی آب و هوای گرم و خشک دارند. ساختار اداری ایران در تهران متمرکز شده است. تهران به ۲۲ منطقه، ۱۳۴ ناحیه (شامل ری و تجریش و ۳۷۰ محله) تقسیم شده است. تهران میزبان نزدیک به نیمی از فعالیت‌های صنعتی ایران است، کارخانجاتی در زمینه تجهیزات خودرو،

برق و الکترونیک، منسوجات، شکر، سیمان و مواد شیمیایی در این شهر واقع شده‌اند، تهران همچنین بازار بزرگ فرش و محصولات مبلمان در سراسر ایران است. در جنوب حومه تهران یک پالایشگاه نفت به نام پالایشگاه نفت تهران وجود دارد. در تهران و حومه، اماکن تاریخی مذهبی نظیر مساجد، کلیساها، کنیسه‌ها، و آتشکده‌های زرتشتیان قرار گرفته‌است. در فهرست گران‌ترین پایتخت‌های دنیا در سال ۲۰۰۸ میلادی، تهران در پله آخر قرار داشت. تهران همچنین در فهرست گران‌ترین شهرهای دنیا و بر مبنای شاخص هزینه‌های زندگی، در پله یکی مانده به آخر جای دارد (<https://fa.wikipedia.org/wiki>). مفهوم مشارکت

مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن است و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری کردن است (aryanpour, 1995: 285). از دیدگاه جامعه‌شناسی باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت دادن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد- (mohseni tabrizi, 1990: 103) (105). مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد (pirahari, 2008: 64) مشارکت بر حسب ملاک‌های متعددی تقسیم بندی می‌شود:

انواع مشارکت از لحاظ چگونگی دخالت مردم: الف- مشارکت مستقیم (دموکراسی مشارکتی) ب- مشارکت غیر مستقیم یا نمایندگی

انواع مشارکت بر حسب سطوح اجرایی: الف- مشارکت محلی ب- مشارکت منطقه‌ای ج- مشارکت ملی
انواع مشارکت بر مبنای کیفیت دخالت مردم: الف- مشارکت ارادی و اجباری (منصفانه و غیر منصفانه) ب- مشارکت برانگیخته و خودانگیخته.

انواع مشارکت بر حسب موضوع و زمینه عمل مشارکت که شامل موارد زیر است:
الف) مشارکت اقتصادی عموماً کوشش جمعی دو نفر یا بیشتر در جهت نفع مادی است و معمولاً با شاخصی چون سودبری مشخص می‌شود.

مشارکت سیاسی که در موارد بسیاری معنای عام مشارکت را به ذهن متبادر می‌سازد و با آن همسان انگاشته می‌شود، شرکت در اعمال قدرت است. مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است و پائین‌ترین سطح مشارکت سیاسی واقعی رأی دادن در انتخابات است. (ج) مشارکت فرهنگی نیز شرکت داوطلبانه، ارادی، آگاهانه افراد، گروه‌ها و سازمان‌های تشکیل دهنده یک جامعه در ابعاد گوناگون زندگی فرهنگی آن جامعه به منظور گسترش توسعه پایدار، متوازن و همه جانبه زندگی فرهنگی است. بنابراین مشارکت فرهنگی به نوعی از مشارکت گفته می‌شود که آحاد مختلف مردم را به مشارکت در تولید فرهنگ و ارتقاء فرهنگ گروه‌ها فرا می‌خواند. تقویت هنر مردمی، تسهیل ارتباط فرهنگ‌ها در جوامع چند فرهنگی، افزایش وفاق اجتماعی در جوامع چند قومی از عرصه‌های مهم مشارکت فرهنگی است.

د) مشارکت اجتماعی، مشارکت افراد در گروه‌هایی خارج از خانواده و عرصه سیاسی و محیط کار (احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و گروه‌های فشار) است. پس انواع مشارکت‌های داوطلبانه و عضویت فعال در گروه‌هایی خارج از خانواده و سازمان‌های سیاسی و گروه‌های فشار جزء مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود (Helly, 2001: 2).

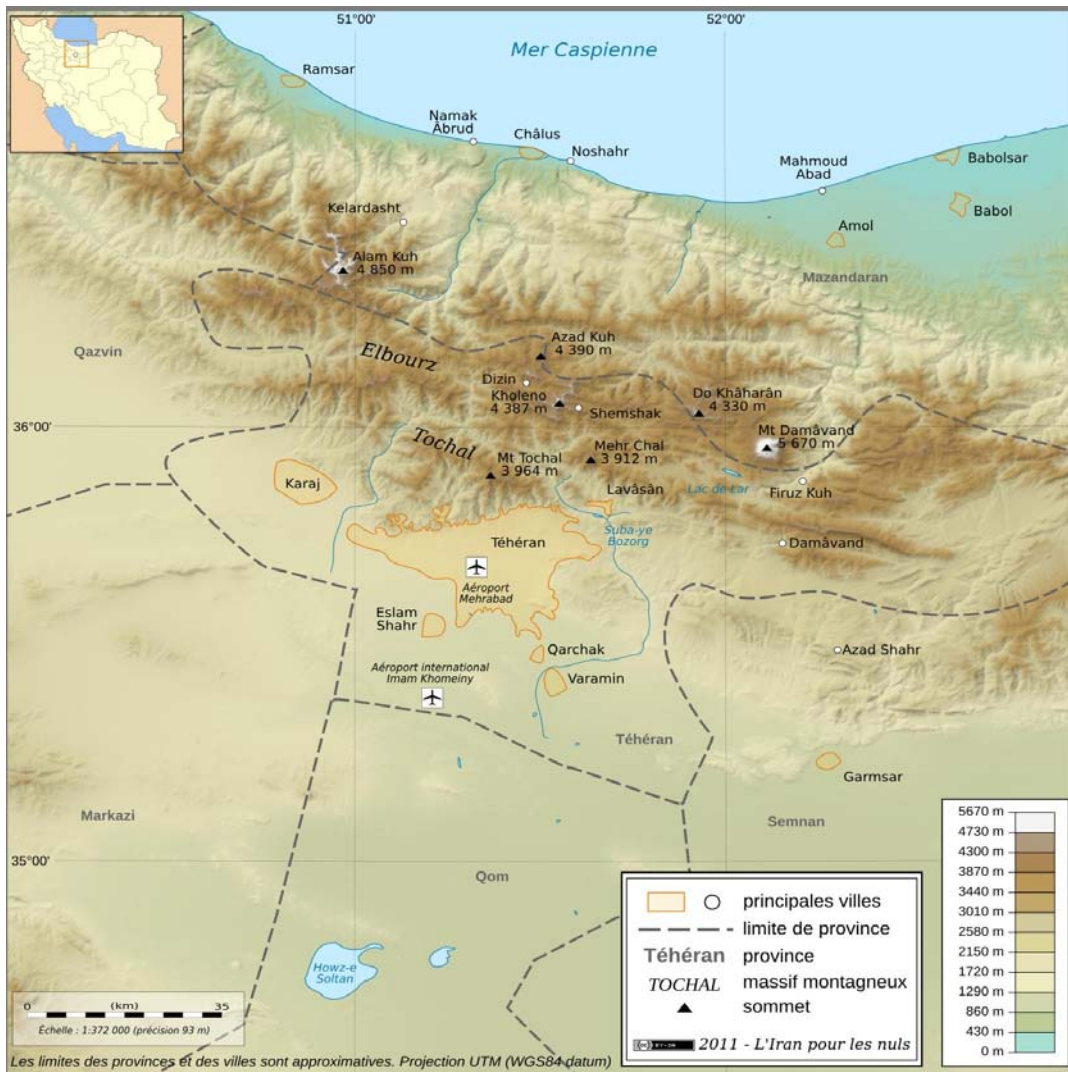
انواع مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی شامل دو بخش است:

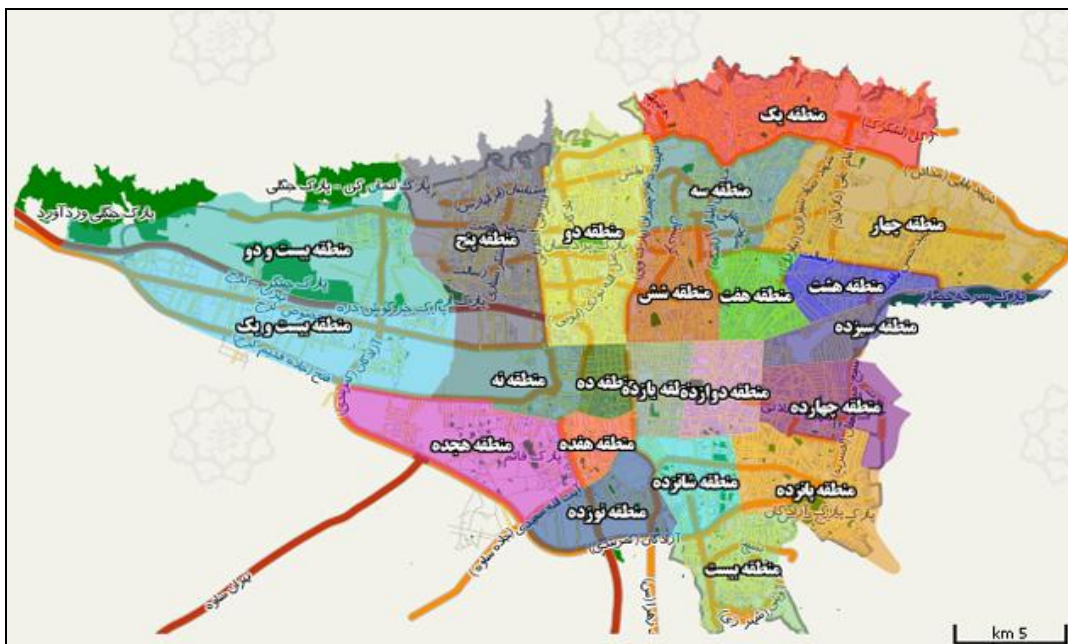
نهادی (رسمی) که در برگیرنده مشارکت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها (باشگاه‌ها) می‌شود
 مشارکت غیر رسمی (فردی) که خود در برگیرنده دو نوع الف- درگیری اتفاقی (ad hoc) شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم مثل همکاری با خیریه‌هایی که در کمک به محرومین و افراد خاص تشکیل می‌شود ب- مشارکت پایدار (stable, regular participation) که شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی که به صورت مؤسسه و سازمان نیستند، ولی نسبتاً دائمی و همیشگی (مثل گروه‌های موسیقی و جوانان) هستند
 .(Ibid: 3-4)



نقشه (۱) کشورهای جهان و ایران Source: Geoinfo.blogspot.com



Source: ref.kodoom.com نقشه (۲) استان‌های کشور ایران



Source: sdi.tehran.ir نقشه (۳) مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

در ادامه مقاله دیدگاه‌های صاحب‌نظران در مورد مشارکت و عوامل موثر بر آن مورد بررسی قرار می‌گیرد:

دیدگاه کانت^۱

کانت میان شهروندان فعال و منفعل تمایز قایل می‌شود و حتی شهروندان منفعل را فاقد شخصیت مدنی می‌داند. در واقع کانت، شهروندی به مفهوم خاص را نمودار عضویت و فعالیت شخصی در جامعه به منظور ساختن اجتماع خویش می‌داند. به زعم وی «شهروند فقط جایی به معنی واقعی و به مفهوم «فعال» آن وجود دارد که در امور اقتصادی، سیاسی و اداره شهر خویش مشارکت نماید. این وضعیت در واقع تعهداتی را بر دوش شهروند می‌گذارد و در این صورت شهروند مکلف به اعلام رأی خویش (مشارکت سیاسی)، انجام تکالیف گروهی (مشارکت اجتماعی) و ایفای نقش در ساختار فرهنگی جامعه خویش می‌باشد» (tavakol, 2004: 120).

دیدگاه دورکیم^۲

به نظر دورکیم آدمی در اصل یک موجود زیستی به دنیا می‌آید و بنابراین ضرورت که، موجودی اجتماعی است و در جامعه زندگی خواهد کرد، ملزم به آموزش و یادگیری راه و رسم زندگی اجتماعی خویش است. از دیدگاه دورکیم، جامعه ابتدایی، جامعه‌ای متجانس است که در آن افراد کورکورانه از اعتقادات، ارزش‌ها و رسوم رایج و مستقر پیروی می‌کنند، همانندی‌های زیادی میان آنان مشاهده می‌شود، و اجبارها و الزام‌های خانوادگی، گروهی و قومی، دامنه و حدود رفتارها را تعیین تکلیف می‌کنند. در این جامعه فعالیت‌های گروهی و اجتماعی، تنوع چندانی ندارند. از این رو، افراد تقریباً در همه امور و فعالیت‌ها مشارکت و همکاری می‌کنند.

جامعه پیشرفته، جامعه‌ای نامتجانس است. همانندی و همفکری، در بین افراد آن تضعیف شده و تفاوت‌های فراوانی میان آنان به وجود آمده است. لیکن این تفاوت‌ها که حالت مکمل دارند، موجب کمال جامعه می‌شوند. در این جامعه که از ساختار روابط پیچیده‌ای برخوردار است، کار و فعالیت، مستلزم همکاری و تعاون است. در نتیجه، پیدایی تقسیم کار و تخصص ضرورت پیدا می‌کند که بر اثر آن افراد در گروه‌ها و دسته‌های مختلف گرد آمده و هر یک، کار معینی را به سود همگان برعهده می‌گیرند. در جامعه‌های جدید پیچیدگی روابط و تخصصی شدن کارکردهای نهادها و سازمان‌های اجتماعی، نهادهایی نظیر دین و خانواده، قادر به ایفای نقش‌های پیچیده و گوناگونی آموزشی و پرورشی مورد انتظار جامعه نیستند. به عبارت دیگر، در نظام پیچیده جامعه ارگانیکی، آموزش و پرورش افراد جامعه، از طریق مشارکت مستقیم آنان در زندگی اجتماعی، آنگونه که در جامعه ساده اتفاق می‌افتاد، غیر ممکن است (zokai, 1992: 101-2).

براساس نظر دورکیم، هنگامی که شهروندان نسبت به محیط اجتماعی خود احساس تعلق نمایند، شرایط لازم برای اجتماع اخلاقی فراهم می‌شود و با افزایش تعلق اجتماعی مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. همچنین براساس نظریه کنش، دورکیم خصوصیات کنش اجتماعی را در واقعیت‌های خارجی بیرون از اشخاص، که آنها را ملزم می‌کند، می‌داند. از نظر دورکیم کنش اجتماعی شامل «چگونگی عمل، تفکر و حساس است که خارج از فرد باشند دارای قوه اجبار و الزام هستند و خود را بر فرد تحمیل می‌کنند» (alavi tabar, 2000: 18). بنابراین مشارکت

¹ Immanuel kant

² Durkheim

اجتماعی به عنوان یک کنش تحت تأثیر خارج از فرد بوده و این تعلق اجتماعی به محیط و جامعه است که فرد را به مشارکت سوق می‌دهد.

دیدگاه میل برات^۱

میل برات با همکاری گونل^۲ در تبیین مشارکت اجتماعی - سیاسی هفت عامل عمده را نام می‌برند. این عوامل عبارتند از: محرک (انگیزه)، موقعیت اجتماعی (پایگاه اجتماعی)، ویژگی‌های شخصیتی، محیط، مهارت، منابع و تعهد. از نظر این دو دانشمند منظور از محرک عواملی از قبیل تعلق خاطر نسبت به یک سازمان و محیط زندگی و دسترسی به اطلاعات درست می‌باشد. هرچه افراد بیشتر در معرض چنین محرک‌هایی قرار گیرند، به همان اندازه میزان مشارکت آنها بالا می‌رود. منظور از "ویژگی‌های شخصیتی" عبارتست از خصوصیات چون اجتماعی بودن، برونگرایی و غیره، افراد با این خصوصیات مذکور هم بیشتر خود را درگیر مسائل اجتماعی و سیاسی می‌کنند. این دو دانشمند "پایگاه اجتماعی" را با شاخص‌هایی چون میزان تحصیلات، موقعیت محل سکونت، تعلق طبقاتی و قومیت می‌سنجند و معتقدند افراد با پایگاه بالاتر بیشتر علاقه مند به شرکت در مسائل اجتماعی و سیاسی هستند و "محیط اجتماعی" عبارتست از محیطی که افراد در آن سر می‌برند. به عنوان مثال فرهنگ و باور معینی می‌تواند افراد را نسبت به مشارکت در مسائل اجتماعی و فرهنگی و سیاسی تشویق کرده و یا او را بازدارد. منظور میل برات از "مهارت"، عبارتست از توانایی تحلیلی، قدرت سازماندهی و مهارت اجتماعی، افراد با ویژگی‌های فوق از توان مشارکت بالایی برخوردارند. و بالاخره منظور از "تعهد" هم، تعلق خاطر نسبت به یک سازمان، گروه یا فرد خاصی است که این پیوند و دل‌بستگی به موارد مذکور را دارد و این تعلق خاطر بر مشارکت افراد تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد (rasolzade,2001: 43).

دیدگاه آنتونی گیدنز

از نظر گیدنز^۳ اعتماد و ابعاد مختلف آن به عنوان یکی از عوامل مهم و زمینه ساز مشارکت در افراد هر جامعه "نه کیفیتی کلی یا وجهی از همبستگی اجتماعی، بلکه یک شیوه ضروری و اجتناب ناپذیر در حیات اجتماعی محسوب می‌شود." وی چهار زمینه محلی اعتماد در فرهنگ‌های «پیش مدرن» (ستی) را برمی‌شمرد و البته به این امر اشاره دارد که هر یک از آنها مطابق با نظم اجتماعی خاص خود تنوعات بسیاری را می‌پذیرند.

جدول شماره ۱ زمینه‌های اعتماد در دوران "پیش مدرن و مدرنیته" از نظر گیدنز

پیش مدرن	دوران مدرن
زمینه کلی: اهمیت اساسی اعتماد محلی	زمینه کلی روابط: روابط اعتماد به نظام‌های انتزاعی
۱. روابط خویشاوندی به عنوان ابزار سازمان‌دهنده تثبیت پیوندهای اجتماعی در طول زمان - مکان	۱. روابط شخصی یا رابطه جنسی به عنوان وسیله روابط اجتماعی
۲. اجتماع محلی به عنوان مکانی که محیط مانوس فراهم می‌آورد.	۲. نظام‌های انتزاعی به عنوان وسیله تثبیت روابط در طول زمان
۳. تفکر معطوف به آینده و غیرواقع به عنوان شیوه‌ای برای متصل ساختن گذشته و حال	۳. جهان بینی دینی به عنوان اشکال عقیدتی و مناسکی که تفسیری از مقتضایی از زندگی بشر و طبیعت به دست می‌دهد.
۴. سنت به عنوان وسیله‌ای برای اتصال حال و آینده، معطوف به گذشته در چارچوب زمان برگشت‌پذیر	

Source: Giddens: 2005: 123

^۱ - L. Milbrath

^۲ - Goel

^۳ - Giddens

دیدگاه لیپست^۱

لیپست در تألیفش تحت عنوان «انسان سیاسی» می‌کوشد تا شرایطی را که به تثبیت و استقرار دموکراسی در جهان می‌انجامد برجسته سازد. او می‌گوید شرایطی که به مشارکت بالای اعضای گروه می‌انجامد در مقایسه با موقعیت‌هایی که در آن افراد علاقه و مشارکت کمتری در فرایند اجتماعی دارند، پتانسیل بالاتری برای دموکراسی دارند. او می‌گوید: در کشورهای مختلف از جمله آلمان، سوئد، آمریکا، نروژ، فنلاند و برخی کشورهای مشابه مردان بیش از زنان، تحصیل کردگان بیش از کم سوادان، شهرنشینان بیش از روستائیان، افراد بین ۳۵ تا ۵۵ ساله بیشتر از جوانان، متأهلین بیشتر از مجردین، افراد دارای منزلت اجتماعی بالاتر بیش از افراد دارای منزلت پایین‌تر، و اعضای سازمان‌ها بیشتر از غیراعضا در فرایند اجتماعی مشارکت دارند. او در بررسی مشارکت اجتماعی، متغیرهای اجتماعی مختلفی را وارد کرده است. این متغیرها عبارتند از: درآمد، تحصیلات، شغل، رنگ (سیاه پوست و سفید پوست)، سن، جنسیت، مدت سکونت، وضعیت تأهل و وضعیت سازمان جامعه (rasolzade:2001: 37).

دیدگاه رابرت دال^۲

دال (۱۹۸۵) چندین دلیل بنیادی را در قالب گزاره‌ها و قضایای روانشناختی رفتارگرایی در ارتباط با علل بی تفاوتی مردم ارائه نموده است و اشاره می‌کند که اگر موانع فوق برطرف گردد این عوامل به عنوان فاکتورهای مثبت عمل کرده و موجب مشارکت افراد می‌شود، لذا این موارد برای مشارکت اهمیت دارد:

۱. برای پاداش‌ها یا مزایای حاصل از آن ارزش بسیاری قائل باشند.
 ۲. راه‌هایی که از طریق مشارکت در پیش روی فرد قرار می‌گیرد مهمتر از طریق دیگر باشد.
 ۳. فرد مطمئن باشد که می‌تواند در نتایج تصمیمات تأثیر گذارد.
 ۴. فرد مطمئن باشد که اگر خودش خوب کار نکند، نتایج کارها برای او رضایت بخش نخواهد بود.
 ۵. در مورد مسئله مورد نظر فرد شناخت و مهارت کافی داشته باشد و دارای دانش کافی برای مشارکت باشد.
 ۶. برای پرداختن به عمل سیاسی و ورود به عرصه سیاست موانع و سدهای زیادی وجود نداشته باشد.
- دال در نهایت آنچه را در نوع رفتارها و میزان مشارکت سیاسی افراد مؤثر می‌بیند، انگیزه‌ها و شخصیت‌های انسانی آنهاست. مسیریایی که اشخاص در جهت سیاسی پیدا می‌کنند تا حدی در پرتو پنج عمل اندازه‌گیری و مشخص می‌شود.
- شخصیت و ویژگی فرد
 - فرهنگ کلی یا به طور دقیق فرهنگ سیاسی که فرد آن را از قبیله، دهکده، شهر و کشور خویش می‌پندارد.
 - مسیره‌های سیاسی اولیه فرد و چگونگی قرار گرفتن در آنها.
 - تجارب و کیفیات شخص و وضع زندگی
 - موقعیت ویژه‌ای که فرد در لحظه معین از تاریخ با آن مواجه می‌شود، یا عقیده دارد که با آن مواجه می‌شود (dahl, 1985: 154).

^۱ lipset

^۲ Dahl

بنابراین رابرت دال در مطالعه خود به نقش پاداش و رضایت از عمل مشارکتی و نقش آن در مشارکت بیشتر افراد تأکید دارد و براساس تئوری‌های رفتارگرایی اجتماعی، بیان می‌نماید که هرچه فرد از خدمات و امکانات محیط زندگی خود رضایت داشته باشد میزان گرایش او به آن محیط و همچنین مسئولیت‌پذیری وی افزایش خواهد یافت.

دیدگاه جورج هومنز^۱

هومنز در شش قضیه اصول اساسی نظریه خود را در یک فضای روانشناختی ارائه می‌کند و از این حیث در نقطه مقابل دورکیم قرار می‌گیرد. وی قصد دارد تا بر مبنای این قضایا به تبیین کنش‌های اجتماعی انسان بپردازد:

- قضیه محرک

اگر در گذشته انسان در برابر انگیزه محرکی پاداش گرفته باشد، بروز و تکرار این محرک موجب تکرار کنش خواهد بود.

- قضیه موفقیت

در یک محدوده زمانی معین، هر قدر پاداش کنش فرد ارزشمندتر باشد، احتمال انجام آن کنش بیشتر است.

- قضیه ارزش

به میزانی که پاداش کنش برای فرد ارزشمندتر باشد، احتمال انجام آن کنش بیشتر خواهد بود.

- قضیه اشباع و محرومیت

با افزایش تعداد پاداش‌های دریافتی از ارزش پاداش بعدی کاسته می‌شود. در نتیجه مطلوبیت پاداش‌ها کاهش پیدا کرده و کنش‌گر در آستانه اشباع قرار گرفته و زمینه برای عدم تمایل به انجام کنش فراهم می‌گردد.

- قضیه پرخاشگری و تأیید:

اگر به کنش فرد پاداش مورد نظر داده نشود احتمال سرخوردگی و پرخاشگری در فرد تقویت می‌شود و بالعکس چنانچه فرد برای کنش خود انتظار دریافت پاداش بالاتر را نداشته و یا انتظار مجازات را داشته باشد لیکن در عمل مواجه با پاداش بالا و عدم مجازات گردد، کنش خود را تکرار خواهد کرد.

در مورد فرایند مشارکت نیز، چنانچه نتایج و دستاوردهای حاصله، برای فرد نسبت به رفتارهای غیر مشارکتی از ارزش بیشتری برخوردار باشد، احتمال تکرار آن افزایش می‌یابد. در واقع یک کنش حاصل محاسبه منافع و مضرات آن توسط کنشگر است این مطلب توسط هومنز به پاداش و تنبیه تعبیر شده است (tanhaei, 2000: 146-7).

فرضیات تحقیق

۱. به نظر می‌رسد میان رضایت از خدمات شهری و میزان مشارکت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد میان احساس مالکیت بر محیط شهری با میزان مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد میان اعتماد اجتماعی افراد با میزان مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد میان سابقه سکونت و میزان مشارکت رابطه مستقیم وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد میان منطقه سکونت و میزان مشارکت رابطه وجود دارد.

¹ Homans

تعریف مفهومی متغیرها

متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی در امور شهری:

مشارکت مردم در امور شهری در دو مفهوم به کار رفته است:

الف. مشارکت به مفهوم شرکت کردن که مختص همکاری بخش خصوصی است. در این نوع همکاری به منظور کسب سود اقتصادی و با دریافت بهای خدماتی که عرضه می‌کند، با سازمانهای مرتبط با امور شهروندی همکاری می‌کنند.

ب. مشارکت به معنای مشارکت فعال بخش مردمی است. بخش مردمی گونه‌ای از بخش خصوصی است که قصد آن بدست آوردن سود نیست و انگیزه‌های اجتماعی مبنای مشارکت آنان است (alavi tabar,2000: 25). در پژوهش حاضر برای سنجش این متغیر، مشارکت آنان در فعالیت‌های سیاسی (انتخابات شورای شهرو...)، طرح‌های عمومی (بازیافت زیباله، استقبال از بهار، زیباسازی شهر، کاشت نهال، نگهداری فضاهای سبز عمومی)، فعالیت‌های محلی (تصمیم‌گیری‌های محلی، حل مشکلات محله و...) و طرح‌های کاهش آلودگی (استفاده از وسایل نقلیه عمومی، طرح زوج و فرد ترافیک، و...) مورد سوال قرار گرفته است.

متغیر مستقل: رضایت از خدمات شهری: در این تحقیق شاخص‌های رضایت از خدمات شهری عبارتند از رضایت از حمل و نقل درون شهری، خدمات آموزشی، خدمات بهداشتی و درمانی، خدمات تفریحی و فرهنگی، خدمات جمع آوری زباله و نظافت شهری، اماکن ورزشی، خدمات راه و ترابری، ارتباطات، خدمات بازرگانی، خدمات رسانی آتش نشانی، خدمات محیط زیست شهری و کاهش آلودگی.

متغیر مستقل: احساس مالکیت بر محیط شهر

منظور از احساس مالکیت بر محیط شهری در این پژوهش، احساس مسئولیت در حفظ محیط شهری، نگرش به شهرماندخانه خود، توجه و دقت در استفاده از امکانات شهری، نقش محیط شهری در آرامش، تعلق امکانات شهری به همه افراد است.

متغیر مستقل: اعتماد اجتماعی

در پژوهش حاضر، اعتماد به شکل اعتماد خانوادگی، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد مدنی و اعتماد نهادی در نظر گرفته شده است. منظور از اعتماد خانوادگی، اعتماد به خانواده، خویشاوندان، نزدیکان و دوستان است؛ و منظور از اعتماد مدنی، اعتماد به گروه‌ها و نهادهای مدنی و منظور از اعتماد نهادی، اعتماد به نهادهای مختلف جامعه است.

یافته‌های تحقیق

نتایج نشان داد از مجموع ۲۸۳ نفر پاسخگو، ۵۲/۲ درصد زن و ۴۹/۸ مرد هستند. میانگین و میانه سنی پاسخگویان به ترتیب ۳۴ سال و ۳۲ سال است. میانگین درآمد خانواده پاسخگویان یک میلیون و هفتصد هزار تومان و میانه درآمد یک میلیون و چهارصد هزار تومان است. تحصیلات ۱.۴ درصد پاسخگویان ابتدایی، ۳.۹ درصد راهنمایی، ۲۴.۳ درصد دبیرستان و دیپلم، ۵۲.۹ درصد کاردانی و کارشناسی و ۱۷.۵ درصد کارشناسی ارشد و دکتری هستند.

میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری

نتایج نشان داد ۱۲.۷ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۶۵.۶ درصد تا حدودی و ۲۱.۷ درصد به میزان زیاد در امور شهری مشارکت دارند. میانگین این احساس عدد ۲.۰۹ است که میزان متوسطی را نشان می‌دهد (دامنه تغییرات بین ۱ تا ۳ است).

جدول شماره ۱- میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری

پاسخ‌ها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص	درصد تجمعی
کم	۳۵	۱۲.۴	۱۲.۷	۱۲.۷
تا حدودی	۱۸۱	۶۴	۶۵.۶	۷۸.۳
زیاد	۶۰	۲۱.۲	۲۱.۷	۱۰۰
بدون پاسخ	۷	۲.۵	-	-
جمع	۲۸۳	۱۰۰	۱۰۰	-
میانگین = 2.09 میانه = 2				

Source: Research Findings

احساس مالکیت پاسخگویان بر محیط شهری

نتایج نشان داد ۱.۱ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۶۱ درصد تا حدودی و ۳۷.۹ درصد به میزان زیاد بر محیط شهری خود احساس مالکیت دارند. میانگین این احساس عدد ۲.۳۶ است که میزان بالاتر از متوسط را نشان می‌دهد (دامنه تغییرات بین ۱ تا ۳ است).

جدول شماره ۲- احساس مالکیت پاسخگویان بر محیط شهری

پاسخ‌ها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص	درصد تجمعی
کم	۳	۱.۱	۱.۱	۱.۱
تا حدودی	۱۷۲	۶۰.۸	۶۱	۶۲.۱
زیاد	۱۰۷	۳۷.۸	۳۷.۹	۱۰۰
بدون پاسخ	۱	۰.۴	-	-
جمع	۲۸۳	۱۰۰	۱۰۰	-
میانگین = 2.36 میانه = 2				

Source: Research Findings

میزان رضایت پاسخگویان از خدمات شهری

نتایج نشان داد ۱۶.۲ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۵۱.۷ درصد تا حدودی و ۳۲.۱ درصد به میزان زیاد از خدمات شهری احساس رضایت دارند. میانگین این احساس عدد ۲.۱۵ است که میزان بالاتر از متوسط را نشان می‌دهد (دامنه تغییرات بین ۱ تا ۳ است).

جدول شماره ۳- میزان رضایت پاسخگویان از خدمات شهری

پاسخ‌ها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص	درصد تجمعی
کم	۴۴	۱۵.۵	۱۶.۲	۱۶.۲
تا حدودی	۱۴۰	۴۹.۵	۵۱.۷	۶۷.۹
زیاد	۸۷	۳۰.۷	۳۲.۱	-
بدون پاسخ	۱۲	۴.۲	-	-
جمع	۲۸۳	۱۰۰	۱۰۰	-
میانگین = 2.15 میانه = 2				

Source: Research Findings

- میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان

نتایج نشان داد اعتماد اجتماعی ۳.۳ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۸۷.۶ درصد تا حدودی و ۹.۱ درصد به میزان زیاد است. میانگین این احساس عدد ۲.۰۵ است که میزان متوسطی را نشان می‌دهد (دامنه تغییرات بین ۱ تا ۳ است).

جدول شماره ۴- میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان

پاسخ‌ها	فراوانی	درصد ناخالص	درصد خالص	درصد تجمعی
کم	۹	۳.۲	۳.۳	۳.۳
تا حدودی	۲۴۰	۸۴.۸	۸۷.۶	۹۰.۹
زیاد	۲۵	۸.۸	۹.۱	۱۰۰
بدون پاسخ	۹	۳.۲	-	-
جمع	۲۸۳	۱۰۰	۱۰۰	-
میانگین = 2.05 میانه = 2				

Source: Research Findings

تبیین داده‌ها

آزمون تفاوت میانگین بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری با منطقه سکونت آنان

نتایج نشان می‌دهد بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری و منطقه سکونت آنان تفاوت معناداری وجود دارد. این تفاوت با ۹۹ درصد اطمینان معنادار شده است. بدین معنی که پاسخگوییانی که در منطقه بیست سکونت دارند، بیشتر از پاسخگوییانی که در منطقه یک سکونت دارند، در امور شهری مشارکت دارند. میانگین مشارکت در منطقه بیست ۳۲.۲ و در منطقه یک ۲۵.۵ است.

جدول شماره ۵- آزمون تفاوت میانگین بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری با منطقه سکونت آنان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	معناداری
مشارکت پاسخگویان در امور شهری	۲۴.۵۴	۸.۴۵	-۷.۴۳	۲۷۴	.۰۰۰
منطقه	۳۲.۲	۸.۶۴			

Source: Research Findings

ضرایب همبستگی بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری با سابقه سکونت آنان

در مورد پاسخگوییانی که در تهران متولد نشده‌اند، نتایج نشان داد بین سابقه سکونت آنان در شهر تهران و میزان مشارکت آنان در امور شهری رابطه معنادار وجود ندارد.

جدول شماره ۶- ضرایب همبستگی بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری با سابقه سکونت آنان در شهر تهران

سابقه سکونت	ضریب همبستگی
مشارکت پاسخگویان در امور شهری	.037
معناداری	.748
تعداد	78

Source: Research Findings

بررسی رابطه بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری با میزان احساس مالکیت بر محیط شهری،

میزان رضایت از خدمات شهری و میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان

نتایج نشان می‌دهد بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری با میزان احساس مالکیت بر محیط شهری، میزان رضایت از خدمات شهری و میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان رابطه معنادار مستقیم وجود دارد. این روابط با ۹۹

درصد اطمینان تایید شده است. یعنی هر چه پاسخگویان بر محیط شهری خود احساس مالکیت بیشتری بکنند، هر چه از خدمات شهری رضایت بیشتری داشته باشند، و هر چه میزان اعتماد اجتماعی آنان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنان در امور شهری هم بیشتر می‌شود و بر عکس هر چه پاسخگویان بر محیط شهری خود احساس مالکیت کمتری بکنند، هر چه از خدمات شهری رضایت کمتری داشته باشند، و هر چه میزان اعتماد اجتماعی آنان کمتر باشد، میزان مشارکت آنان در امور شهری هم کمتر می‌شود.

جدول شماره ۷- ضرایب همبستگی بین بررسی رابطه بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری با میزان احساس مالکیت بر محیط شهری، میزان رضایت از

خدمات شهری، و میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان

متغیر	ضرایب همبستگی	میزان مشارکت	اعتماد اجتماعی
میزان مشارکت	** ۰.۳۵۵	** ۰.۱۷۷	** ۰.۴۸۷
پاسخگویان در امور	۰.۰۰۰	۰.۰۰۴	۰.۰۰۰
شهری	۲۷۶	۲۶۵	۲۶۹

Source: Research Findings

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، موضوع مورد مطالعه «بررسی عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری» می‌باشد. متغیر وابسته ما مشارکت شهروندان در امور شهری، و متغیرهای مستقل ما نیز اعتماد اجتماعی، رضایت از خدمات شهری، احساس مالکیت بر محیط شهری، منطقه سکونت و سابقه سکونت است. برای بررسی تاثیرات متغیرهای مستقل بر روی مشارکت شهروندان در امور شهری پس از بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران مختلف، از نظریات دورکیم، رابرت دال، هومنز و گیدنز بهره جسته‌ایم.

تحقیق حاضر از لحاظ روش یک تحقیق پیمایشی می‌باشد که در آن از تکنیک پرسشنامه برای جمع آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل خانوارهای ساکن شهر تهران هستند که در منطقه یک و بیست سکونت دارند، که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۲۸۶ نفر انتخاب شده‌اند.

از مجموع ۲۸۳ نفر پاسخگو، ۵۰/۲ درصد زن و ۴۹/۸ مرد، میانگین و میانه سنی پاسخگویان به ترتیب ۳۴ سال و ۳۲ سال است. میانگین درآمد خانواده پاسخگویان یک میلیون و هفتصد هزار تومان و میانه درآمد یک میلیون و چهارصد هزار تومان است. تحصیلات ۱.۴ درصد پاسخگویان ابتدایی، ۳.۹ درصد راهنمایی، ۲۴.۳ درصد دبیرستان و دیپلم، ۵۲.۹ درصد کاردانی و کارشناسی و ۱۷.۵ درصد کارشناسی ارشد و دکتری هستند.

نتایج داده‌ها نشان داد ۱.۱ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۶۱ درصد تا حدودی و ۳۷.۹ درصد به میزان زیاد بر محیط شهری خود احساس مالکیت دارند. ۱۶.۲ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۵۱.۷ درصد تا حدودی و ۳۲.۱ درصد به میزان زیاد از خدمات شهری احساس رضایت دارند. اعتماد اجتماعی ۳.۳ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۸۷.۶ درصد تا حدودی و ۹.۱ درصد به میزان زیاد است. ۱۲.۷ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۶۵.۶ درصد تا حدودی و ۲۱.۷ درصد به میزان زیاد در امور شهری مشارکت دارند. نتایج نشان داد بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری و منطقه سکونت آنان تفاوت معناداری وجود دارد. این تفاوت با ۹۹ درصد اطمینان معنادار شده است. بدین معنی که پاسخگویانی که در منطقه بیست سکونت دارند، بیشتر از پاسخگویانی که در منطقه یک

سکونت دارند، در امور شهری مشارکت دارند. در مورد کسانی که در تهران متولد نشده‌اند، نتایج نشان داد بین سابقه سکونت آنان در شهر تهران و مشارکت آنان در امور شهری رابطه معنادار وجود ندارد.

نتایج نشان داد بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری با میزان احساس مالکیت بر محیط شهری رابطه معنادار وجود دارد، یعنی هر چه پاسخگویان بر محیط شهری خود احساس مالکیت بیشتری بکنند، میزان مشارکت آنان در امور شهری افزایش می‌یابد و بر عکس هر چه پاسخگویان بر محیط شهری خود احساس مالکیت کمتری بکنند، میزان مشارکت آنان در امور شهری کاهش می‌یابد این تایید کننده نظریه دورکیم است. براساس نظر دورکیم، هنگامی که شهروندان نسبت به محیط اجتماعی خود احساس تعلق نمایند، شرایط لازم برای اجتماعی اخلاقی فراهم می‌شود و با افزایش تعلق اجتماعی مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. بنابراین مشارکت اجتماعی به عنوان یک کنش تحت تأثیر خارج از فرد بوده و این تعلق اجتماعی به محیط و جامعه است که فرد را به مشارکت سوق می‌دهد. نتایج نشان داد بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری با میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد، یعنی هر چه پاسخگویان دارای اعتماد اجتماعی بیشتری باشند، میزان مشارکت آنان در امور شهری افزایش می‌یابد و برعکس یعنی هر چه پاسخگویان دارای اعتماد اجتماعی کمتری باشند، میزان مشارکت آنان در امور شهری کاهش می‌یابد. این امر تایید کننده نظریه گیدنز است که اعتماد را در جوامع سنتی و مدرن مورد بررسی قرار داده است.

نتایج نشان داد بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری و میزان رضایت از خدمات شهری رابطه معنادار مستقیم وجود دارد. یعنی هر چه پاسخگویان از خدمات شهری رضایت بیشتری داشته باشند، میزان مشارکت آنان در امور شهری هم بیشتر می‌شود و بر عکس هر چه پاسخگویان از خدمات شهری رضایت کمتری داشته باشند، میزان مشارکت آنان در امور شهری هم کمتر می‌شود. این امر تایید کننده نظریه دال است. دال چندین دلیل بنیادی را در ارتباط با علل بی تفاوتی مردم ارائه نموده است. از نظر ایشان اگر برای پاداش‌ها یا مزایای حاصل از آن ارزش قائل باشیم مشارکت حاصل می‌شود. بنابراین رابرت دال در مطالعه خود به نقش پاداش و رضایت از عمل مشارکتی و نقش آن در مشارکت بیشتر افراد تأکید دارد و براساس تئوری‌های رفتارگرایی اجتماعی، بیان می‌نماید که هرچه فرد از خدمات و امکانات محیط زندگی خود رضایت داشته باشد میزان گرایش او به آن محیط و همچنین مسئولیت‌پذیری وی افزایش خواهد یافت. همچنین بر اساس نظریه هومنز در مورد فرایند مشارکت، چنانچه نتایج و دستاوردهای حاصله، برای فرد نسبت به رفتارهای غیر مشارکتی از ارزش بیشتری برخوردار باشد، احتمال تکرار آن افزایش می‌یابد. درواقع یک کنش حاصل محاسبه منافع و مضرات آن توسط کنشگر است این مطلب توسط هومنز به پاداش و تنبیه تعبیر شده است.

پیشنهادات

۱- رعایت اصول عدالت اجتماعی در توزیع خدمات و فعالیت‌ها در سطح مناطق شهری. این امر می‌تواند از جهات متعددی بر رضایتمندی اجتماعی، احساس تعلق به منطقه مسکونی و در نهایت بر مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیر مثبتی داشته باشد.

۲- جلب اعتماد شهروندان از طرف شهرداری از طریق برخورد یکسان با همه مراجعین در اعمال ضوابط و مقررات و پرهیز از اعطای هر گونه امتیاز خاص به اشخاص خاص، مد نظر قرار دادن نظرات شهروندان، جلوگیری از پارتی بازی و روابط، پذیرش نقد شهروندان و بکارگیری آن.

۳- از رسانه‌های جمعی جهت افزایش آگاهی مردم و سودمند بودن مشارکت می‌توان استفاده کرد. همچنین در مدارس و دانشگاه‌ها نیز می‌توان فعالیت‌های تشویقی و تبلیغی را انجام داد.

جهت افزایش مشارکت شهروندان بایستی به گسترش سازمان‌ها و نهادهای غیر دولتی همت گماشت. در این مسیر باید مشکلات قانونی که در این مسیر قرار دارد را از بین برد.

References

- Aryanpour Kashani, Abas and Aryanpour Manochehr. (1995-1994). Persian-English scientific culture, (In persian) , Tehran: sepehr publications.
- Alavi Tabar, Alireza. (2000). Participation in manage of cities affairs, examining patterns of citizen participation in manage of cities affairs , (In persian) , (volum 1), Tehran: organization of country's municipalities publications.
- Birou, Allen. (1987). Culture of social sciences, (In persian) , translation Baqer Sarookhani , Tehran: Keyhan
- Dahl, Robert Allan. (2013). A new policy analysis, (In persian) , translated by Homeyra Moshirzade, Tehran: Farhange Javid publications.
- Giddens, Anthony. (2005). The consequences of modernity, (In persian) , translation mohsen solaci, Tehran: markaz publication
- Helly, Denise. (2001). Voluntary and social participation by peple of Immigrant origin. overview of Canadian Research, second National Metropolis conference, Immigrant and civic participation: Contermporary policy and Research Issues, Montreal, November 1997.
- Mohsen Tabrizi, Alireza. (1990). Study of participation basis of villagers and their relationship with agricultural extension, (In persian) , Publisher: Jehade Daneshgahi, promosion assistance and public participation.
- Masumi, Fatima. (2003). Factors Influencing on citizens attitude to social participation in islamic Council of Darab city. (In persian) , Shiraz: Shiraz University publications.
- Mousavi, Mirtaher. (2011). Introduction on social participation, (In persian) , Tehran: sociologists publications.
- Pirahari, Nayer. (2008). Social capital and the effect of family changes on it in Iran, (In persian). PHD thesis in Sociology, Islamic Azad University, Science and Research Branch.
- Rasoulzadeh, Behroz, frozande, Sahebali. (2001). Investigating the causes of the decline of public participation in Ardabil province in the eighth presidential election, (In persian) , Publisher: governor of Ardebil.
- Tanhai, Hussein. (2000). Introduction to schools and theories of sociology, (In persian) , Mashhad: Marandiz publications.
- Tavakol, Mohamad. (2004). Sociology of Science, (In persian) , Tehran: Sociologists publications
- Tusi, Muhammad Ali. (1991). Involved in the management and ownership, (In persian) , Tehran: published by the Center for Public Management Education.
- (<https://fa.wikipedia.org/wiki>) .